



تفسیر و بیش تفسیر

امبرتو اکو

ریچارد رورتی و جانائان کالر

مترجم: فرزانه سجودی

تفسیر و بیش تفسیر

امبرتو اکو

ریچارد رورتی و جان اتان کالر

مترجم: فرزانه سجودی



۱۳۹۷

مشرشته: اکو، اومبرتو، ۱۹۳۲-۲۰۱۶ م. Ecco, Umberto
 عنوان و نام پدیدآور: تفسیر و بیش تفسیر/ اومبرتو اکو، به همراه ریچارد رورتی، جانانان کالر؛ مترجم: فرزانه سجودی؛
 ویراستار: استفان کولینی.
 مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۷.
 مشخصات ظاهری: ۱۶۷ ص
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۶-۶۹۷-۷
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
 یادداشت: عنوان اصلی: Interpretation and Overinterpretation, C1992.
 موضوع: نشانه‌شناسی و ادبیات Semiotics and Literature
 موضوع: نقد Criticism
 شناسه افزوده: رورتی، ریچارد، ۱۹۳۱-۲۰۰۷ م. Rorty, Richard
 شناسه افزوده: کالر، جانانان، ۱۹۴۴- م. Culler, Jonathan D.
 شناسه افزوده: سجودی، فرزانه، ۱۳۴۰- م. مترجم
 شناسه افزوده: کالینی، استفان، ۱۹۴۷- م. ویراستار Collini, Stefan
 شناسه افزوده: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی Elmi - Farhangi Publishing Co.
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۷ الف ۵ ن ۹۸/۵ PN
 رده‌بندی دیویی: ۸۰۱/۹۵
 شماره کتابشناسی ملی: ۵۳۷۰۵۹۴

تفسیر و بیش تفسیر

نویسندگان: اومبرتو اکو به همراه ریچارد رورتی و جانانان کالر

ویراستار: استفان کولینی

مترجم: فرزانه سجودی

چاپ نخست: ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

حروفچینی و آماده‌سازی: انتشارات علمی و فرهنگی

لینوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیبه

حق چاپ محفوظ است.



انتشارات علمی و فرهنگی

اداره مرکزی و مرکز پخش: خیابان نلسون ماندلا (آفریقا)، چهارراه حقانی (جهان کودک)، کوچه کمان، پلاک ۲۵؛ کدپستی: ۱۵۱۸۷۳۳۶۳۱۳؛ صندوق پستی: ۹۶۴۷ - ۱۵۸۷۵؛ تلفن: ۷۰ - ۸۷۷۴۵۶۹؛ فکس: ۸۷۷۴۵۷۲؛ تلفن: ۲۹ - ۸۸۶۵۷۲۸؛ تلفکس: ۴۵ - ۸۸۶۷۷۵۴۴
 آدرس اینترنتی: www.elmifarhangi.ir info@elmifarhangi.ir

وبسایت فروش آنلاین: www.farhangishop.com
 فروشگاه مرکزی (پرنده آبی): خیابان نلسون ماندلا (آفریقا)، بین بلوار گلشهر و ناهید، ابتدای کوچه گلغام، پلاک ۷۲؛ تلفن: ۲۲۰۲۴۱۴۰-۳

فروشگاه یک: خیابان انقلاب، روبه‌روی در اصلی دانشگاه تهران؛ تلفن: ۱۶-۶۶۹۶۳۸۱۵ و ۶۶۴۰۰۷۸۶
 فروشگاه دو: میدان هفت‌تیر، خیابان کریمخان زند، بین قائم مقام قزاقی و خردمند، پلاک ۱۳؛ تلفن: ۸۸۳۴۳۸۰۶-۷

فروشگاه سه: خیابان کارگر شمالی، روبه‌روی پارک لاله، نبش کوچه ستاره، نمایشگاه و فروشگاه محصولات فرهنگی سازمان تأمین اجتماعی، پلاک ۱

فهرست مطالب

پیشگفتار مترجم	هفت
پیشگفتار: تفسیر فسخ‌پذیر و فسخ‌ناپذیر / استفان کولینی	۱
فصل اول: تفسیر و تاریخ / اومبرتو اکو	۲۵
فصل دوم: بیش‌تفسیر متون / اومبرتو اکو	۵۱
فصل سوم: بین مؤلف و متن / اومبرتو اکو	۷۷
فصل چهارم: پیشرفت پراگماتیست / ریچارد رورتی	۱۰۳
فصل پنجم: در دفاع از بیش‌تفسیر / جان‌اتان کالر	۱۲۷
فصل ششم: پاسخ / اومبرتو اکو	۱۴۵

پیشگفتار مترجم

تفسیر یا خوانش یک متن تا کجا می تواند پیش برود؟ چه تفسیری مرتبط و محصول خوانش خلاق متن تلقی می شود و افق های خوانش پذیری متن را گسترش می دهد و چه تفسیری نامرتبط تلقی می شود و امکانات خوانش پذیری متن از آن حمایت نمی کند؟ مرجع تمیز تفسیر از بیش تفسیر چه کسی یا کدام نهاد است؟ مؤلف و نیت او؟ خواننده و نیت خواننده؟ یا متن و نیت متن؟ یا شبکه ای بینامتنی، چرا که نیت مؤلف و نیت خواننده نیز تا بیان متنی پیدا نکند قابل طرح نیست؟ مبنای تشخیص نیت مؤلف، خواننده یا متن چیست؟ آیا هر تفسیر خلاقانه ای در نوع خود یک جور بیش تفسیر نیست؟ زمان و گذر زمان و پیرامن هایی که در طول زمان برای یک متن تولید شده اند چه نقشی در گسترش افق های خوانش پذیری متن دارد؟ آیا هر متنی خود خوانش متون پیش از خود نیست و تفسیر هر متنی در گرو شبکه بینامتنی پیش و بعد از آن نیست؟

این ها برخی از پرسش های بنیادی اند که از دیرباز در مباحث مربوط به متن، معنا، تفسیر و نقش مؤلف و خواننده نزد فیلسوفان، نشانه شناسان، زبان شناسان و نظریه پردازان ادبی مطرح بوده اند و

هر یک از این گروه‌ها نظریه‌هایی در پاسخ به این پرسش‌ها ارائه کرده‌اند، از اصالت نیت مؤلف و تلاش برای احیای آن گرفته تا نظریه دریافت که بر خواننده و واکنش مخاطب تکیه می‌کند تا دیدگاه‌های ساختگرایان که ساختارهای بنیادی و فراگیر و مشترک را مبنای امکان تولید و دریافت متن می‌دانند تا پس‌اساختگرایان که از عدم قطعیت معنا، بازی دال‌ها و زنجیره بالقوه بی‌پایان دلالت سخن می‌گویند، و سرانجام نظریه گفتمان که زبان و کارکردهای آن را در بستر مناسبات اجتماعی و روابط قدرت بررسی می‌کند.

کتابی که پیش رو دارید محصول یکی از درسگفتارهای تَنر است که در سال ۱۹۹۰ به پیشنهاد اومبرتو اکو با موضوع «تفسیر و بیش تفسیر» برگزار شد. اکو در سه درسگفتار به بحث در این موضوع می‌پردازد و دیدگاه‌های خود را به تفصیل با مثال‌هایی درخشان ارائه می‌کند. در ادامه، رورتی و کالر دیدگاه‌های خود را در مناظره‌ای پرشور با اکو مطرح می‌کنند.

به نظر می‌رسد که مطالب مطرح شده در این کتاب می‌تواند به غنای پشتوانه نظری علاقه‌مندان به این بحث در زبان فارسی کمک بسیار کند و در نتیجه تصمیم به ترجمه آن گرفتم. از دوست گرامی ام دکتر صادق رشیدی که نسخه اولیه کتاب را مطالعه کردند و پیشنهاد انتشار آن را در انتشارات علمی و فرهنگی دادند و سپس با دقت و وسواس کار را پیگیری کردند بسیار سپاسگزارم. همین طور از آقای دکتر کوثری، مدیر انتشارات علمی و فرهنگی و همکارانشان که کارهای ویراستاری و نمونه‌خوانی را بسیار حرفه‌ای و دقیق انجام دادند تشکر بسیار دارم.

فرزان سجودی

اردیبهشت ۹۷

پیشگفتار

تفسیر فسخ‌پذیر و فسخ‌ناپذیر

استفان کولینی

۱

«تنها تردید من این است که آیا این موضوع به طور قابل ملاحظه‌ای دربارهٔ ارزش‌های انسانی^۱ هست یا نه» آن‌هایی که با کارهای کمیته‌های علمی آشنا هستند این لحن را تشخیص می‌دهند. این بار دور میز، اعضای کمیتهٔ درس‌گفتارهای تَنر^۱ تالار کلیر، دانشگاه کمبریج، نشسته بودند. درس‌گفتارهای تنر را اُبرت سی. تنر، نیکوکار امریکایی و استاد پیشین فلسفه در دانشگاه یوتا بنیان گذاشت و این دوره‌ها به طور رسمی در اول جولای ۱۹۷۸ در تالار کلیر آغاز شدند (درس‌گفتارهای تنر سالانه در هاروارد، میشیگان، پرینستون، استنفورد، یوتا، کالج بریزنوز، آکسفورد و گهگاه در جاهای دیگر ارائه می‌شوند). هدف بیان‌شدهٔ این درس‌گفتارها عبارت است از «پیشبرد آموزش دانشگاهی و علمی در

مسائل مربوط به ارزش گذاری‌ها و ارزش‌های انسانی و تأمل در آن. در موقعیت مورد نظر، دعوتنامه‌ای برای اومبرتو اکو صادر شده بود تا سخنران سال ۱۹۹۰ در درسگفتارهای تتر باشد، و او در پاسخ «تفسیر و بیش تفسیر» را به عنوان موضوع خود پیشنهاد داده بود. این عنوان بود که باعث شد یکی از اعضای کمیته جمله فوق را بگوید و تنها تردیدش را بیان کند؛ تردیدی که کمیته اجازه نداد که خیلی به درازا بکشد.

بی تردید این نگرانی نزدیک به پانصد نفری نبود که در بزرگ‌ترین تالار کمبریج تنگ هم گرد آمده بودند تا به درسگفتارها گوش کنند. شاید بسیاری آمده بودند تا حس کنجکاوی‌شان را ارضا کنند و ستوده‌ترین نویسندگان دوران ما را ببینند، شاید دیگرانی انگیزه‌شان این بوده است که یک رخداد نمایشی فرهنگی و اجتماعی را از دست ندهند، اگرچه این واقعیت که این جمعیت بزرگ برای شنیدن سخنرانی دوم و سوم نیز باز گشتند خبر از انگیزه‌های دیگر و البته خصوصیات بسیار جذاب سخنران می‌دهد. آنانی که روز بعد از اولین ساعات صبح صف کشیدند تا بتوانند به سمینار پایانی گوش بدهند، در آن مشارکت کنند و انگیزه‌شان این بود که مناظره اکو با ریچارد رورتی، جاناتان کالر و کریستین بروک رز^۱ را در جلسه‌ای به طول یک روز به ریاست فرانک کرمود^۲ ببینند، نیز چنین نگرانی و ملاحظات نداشتند. بحث بسیار پرشور بود و با مشارکت گروه برجسته‌ای از دانشگاهیان و منتقدان از جمله (به ترتیب الفبایی) ایزابل آرمسترانگ، گیلیان بیر^۳، پاتریک بوید^۴، و مرلین باتلر و همچنین رمان‌نویس - منتقدانی چون مالکوم برادبری، جان هاروی و دیوید لاج بر غنای آن افزوده شد.

اکو که شرکت‌کننده اصلی این برنامه بود، خود را در حوزه‌های بسیاری مطرح کرده است که به سادگی تن به طبقه‌بندی نمی‌دهند. او

1. Christine Brook-Rose

2. Frank Kermode

3. Gillian Beer

4. Patrick Boyde

که اهل پیدمونت [ایتالیا] است، در دانشگاه تورین فلسفه خوانده است و رساله‌اش را در مورد زیبایی‌شناسی سنت توماس آکوئیناس نوشته است. او در برنامه‌های فرهنگی برای شبکه تلویزیونی دولتی کار کرد و پس از آن در دانشگاه‌های تورین، میلان، و فلورانس مشاغلی داشت و در همان حال در انتشارات بومپانی ویراستار بود. از ۱۹۷۵، کرسی نشانه‌شناسی دانشگاه بولونا را در اختیار دارد (نخستین کرسی نشانه‌شناسی که در دانشگاه تأسیس شده است). او کتاب‌های بسیاری منتشر کرده است که در رشته‌های زیبایی‌شناسی، نشانه‌شناسی و نقد فرهنگی بسیار تأثیر گذار بوده‌اند. بیشتر این کتاب‌ها به انگلیسی و زبان‌های دیگر منتشر شده‌اند، هرچند این نشانه‌ای از استعدادهای چشمگیر پروفیسور اکو به عنوان یک زبان‌شناس است که بسیاری از آثار اخیر او از آنجا که در اصل به انگلیسی نوشته شده بودند، به ایتالیایی ترجمه شدند. در همان حال، او روزنامه‌نگاری پرکار هم بوده است و به طور منظم برای بسیاری از روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌های مطرح ایتالیا یادداشت می‌نوشته است و یادداشت‌هایش بسیار هم جذابند. اما دست کم در دنیای انگلیسی‌زبان، او برای مخاطبان بسیاری به عنوان نویسنده نام گل سرخ شناخته شده است و شهرت دارد؛ رمانی که در ۱۹۸۰ نوشت و در سطح بین‌المللی به یکی از رمان‌های پرفروش تبدیل شد. در ۱۹۸۸ او رمان دومش، آونگ فو کو، را نوشت که سال بعد به انگلیسی ترجمه شد و بسیار مورد توجه انتقادی قرار گرفت.

این کتاب دربرگیرنده متن بازبینی‌شده در سگفتارهای اکو در تیر و همچنین مقالات سه شرکت‌کننده در سمینار و سرانجام پاسخ آکوست. از آنجایی که برخی مطالب مطرح‌شده در این بحث‌ها ممکن است گاهی برای خواننده غیرمتخصص غامض و یا خیلی فنی به نظر برسد، شاید بد نباشد که ابتدا با خطوط اصلی تمایز بین آن‌ها و با مسائلی که در کانون بسیاری از شکل‌های متفاوت فهم فرهنگی در آخر قرن بیستم مطرح هستند آشنا شوید.

بی تردید، تفسیر فعالیتی نیست که نظریه پردازان ادبی قرن بیستم ابداع کرده باشند. البته، معماها و بحث‌ها در مورد چگونگی تعریف این فعالیت سابقه‌ای بسیار طولانی در اندیشه غربی دارد و انگیزه اصلی آن هم تثبیت معنای کلام خدا بوده است. مرحله مدرن این پیشینه اساساً باز می‌گردد به افزایش خودآگاهی در مورد مسئله معنای متن که در هرمنوتیک انجیلی و توسط اشخاصی چون شلایر ماکر در آغاز قرن نوزدهم مطرح شد و اهمیت تفسیر در فهم همه آفریده‌های روح انسانی در اواخر این قرن [قرن نوزدهم] توسط دیلتای به مبنای برنامه‌ای برای طیف کاملی از علوم روح [علوم انسانی]^۱ تبدیل شد.

مرحله متمایزی که این بحث در دو سه دهه اخیر به آن ورود پیدا کرده است باید در بافت دو تحول بزرگ فهمیده شود. نخست توسعه عظیم آموزش عالی در دنیای غرب از ۱۹۴۵ به این سو، که باعث شده است مسائلی که بر نقش فرهنگی عمومی چنین نهادهایی تأثیر دارند و، به طور مشخص‌تر، پرسش‌های مربوط به هویت و جایگاه «رشته‌هایی» که به گونه‌ای نهادی^۲ تعریف شده‌اند، اهمیت تازه‌ای پیدا کند. در دنیای انگلیسی زبان، «انگلیسی» در حکم یک رشته در خلال این فرایند اهمیت و حساسیت ویژه‌ای یافت؛ زیرا کمترین فاصله را با دل مشغولی‌های وجودی خوانندگان و نویسندگان عامی آن سوی دیوار داشت؛ که از جمله به این معنی است که بحث‌های درون این تخصص کماکان مورد توجه متناوب عموم هم بود. یکی از شاخص‌های هنوز تکان‌دهنده برجستگی این رشته، این است که، در ۱۹۷۰ انگلیسی در دوسوم دانشگاه‌ها و کالج‌های امریکا، بزرگ‌ترین گروه آموزشی بود [۱]. هرچند، در دهه‌های اخیر، هم «معیار»^۳ نوشته‌هایی که به شکل

1. Geisteswissenschaften

2. institutionally

3. canon

سنتی سازنده موضوع این رشته بودند و هم روش‌هایی که برای مطالعه آن نوشته‌ها مناسب تلقی می‌شدند با دقت بسیار بیشتر مورد رسیدگی قرار گرفتند؛ زیرا فرضیات اجتماعی و قومی که مبنای آن‌ها بودند در دنیای مربوط به آن‌ها دیگر چندان سلطه‌ای نداشتند. علاوه بر این، تنوع فرهنگی جامعه آمریکایی و اصول بازار که در زندگی دانشگاهی ناظر بر موفقیت فردی بود، کمک کرده است تا آن مجموعه درهم‌ریخته تفکر رده دوم که با عنوان «نظریه» شناخته می‌شود، به صحنه اصلی روشنفکری تبدیل شود که در آن شهرت‌ها ساخته می‌شود و جنگ‌ها بر سر قدرت و جایگاه درمی‌گیرد. متمرکز شدن بر فضای نهادی ممکن است خیلی کمکی نکند به تبیین محتوای واقعی موضوعی که در چنین مناظره‌هایی اتخاذ می‌شود، اما اگر کسی بخواهد ناهمخوانی شور و هیجان^۱ [چنین مناظره‌هایی] را نسبت به نتیجه [ی حاصل از آن] یا میزان توجه جامعه به معنای گسترده‌تر آن به مناظره بر سر چنین موضوعات اسرارآمیز بفهمد، طرح این گونه مسائل اجتناب‌ناپذیر است.

این ما را هدایت می‌کند به سوی دومین تحول بزرگ که باعث اهمیت بسیار زیاد مناظره بر سر تفسیر شده است؛ یعنی چگونگی برخورد مجموعه‌ای از نوشته‌ها که ریشه در دل مشغولی‌های متفاوتی دارند و از فلسفه قاره‌ای منشأ گرفته‌اند (هر فعل دیگری [غیر از برخورد]^۲) که دلالت بر فهم متقابل یا حسن نیت بیشتر بکند به طرز ملامت‌انگیزی ماهیت این مواجهه را بد نشان می‌دهد) با سنت آنگلساکسونی شرح و ارزیابی انتقادی آثار ادبی. به این تحول نیز باید در چشم‌انداز تاریخی طولانی‌تری نگریست. یک مقطع تعیین‌کننده در مسیر ناهموار به سوی تخصصی شدن که مطالعات ادبی در بریتانیا و آمریکا در قرن بیستم طی کرده‌اند زمانی است که تمرکز بر دانش‌پژوهی تاریخی درباره ادبیات، که میراث تلاش قرن نوزدهمی است برای زنده نگه داشتن

«روش علمی» به چالش کشیده شد و به طور قابل ملاحظه‌ای با روشی انتقادی جایگزین شد که توجهش معطوف بود به دقت بسیار بر جزئیات کلامی آثار «معتبر ادبیات^۱ طراز اول»، شیوه‌ای که در بریتانیا با آثار آی. ای. ریچاردز در «نقد عملی» (و به طریقی پیچیده‌تر با کارهای انتقادی تی. اس. الیوت، اف. آر. لیویس، ویلیام امپسون)، و در امریکا با آثار منتقدان «نقد نو»، به خصوص جان رنسم، آر. پی. بلکمور، رابرت پن وارن، آلن تیت، کلینت بروکز، و دبلیو کی ویسمت شناخته می‌شوند. این شیوه سرانجام مجموعه آموزه‌های توجیه‌کننده خود را تدوین کرد، به خصوص در ایالات متحد، که در کانون آن مفهومی از اثر ادبی به عنوان ابژه زیبایی‌شناختی مطرح بود — خودایستا و اتوتلیک که شرح پویایی‌های معنای خود کفای آن کار منتقد است. آموزه دوم که از این عقیده جزمی مبنایی گرفته شد عبارت بود از انکار آنچه «مغالطه نیت» نامیده می‌شد، یعنی اشتباه مفروض اعتقاد به آنکه شواهد مربوط به نیت پیش‌متنی نویسنده شاید ارتباطی داشته باشد با تثبیت «معنا»ی «شمال کلامی»^۲ (اصطلاحی که ویسمت به کار می‌برد) که همان اثر ادبی باشد (در اصول، این آموزه‌ها بنا بود در مورد همه انواع ادبی کاربرد داشته باشد، اما از دیرباز آشکار است که این آموزه‌ها عمدتاً از دل نقد شعر کوتاه غنایی برآمده‌اند که سرشار است از «تنش» و «ابهام» و معمولاً به این نوع شعر ارجاع می‌دهند؛ تشخیص این ابهامات و تنش‌ها تخصص منتقدان اصلی پیرو نقد نو بوده است).

نگرش‌هایی که این جنبش نسبت به ادبیات و نقد آن برانگیخت، و در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ جایگاه غالب و البته نه انحصاری را در گروه‌های آموزشی انگلیسی در دنیای انگلیسی - آمریکایی داشتند، چندان پذیرای ایده‌های بدعت‌آمیزی نبودند که فلسفه اروپایی قاره‌ای پرورانده بود و به خصوص ریشه در هرمنوتیک، پدیدارشناسی و زبان‌شناسی ساختگرا

داشتند. به‌ویژه، بسط برخی از دیدگاه‌های بنیادی نظریه‌های زبان‌شناسی سوسور، و هم‌سویی نسبی آن‌ها با نظریه‌های مردم‌شناسی لوی اشتروس، از اواخر دهه ۱۹۵۰ به گسترش جست‌وجو برای ژرف‌ساختارها، و الگوهای تکرارشونده زیرین همه حوزه‌های فعالیت انسانی در زمینه‌های مختلف پژوهشی منجر شد. این دیدگاه در ترکیب با میراث احیاشده پساکانتی پرسش متعالی^۱ در شرایط امکان فعالیت، به شکل‌گیری نظریه‌های بسیار عام در مورد ماهیت معنا، ارتباط و عناوین مشابه شد. (نشانه‌شناسی^۲، یا علم نشانه‌ها، که خود اکو نیز ارتباط بسیار نزدیکی با آن دارد، بخشی از این گرایش بزرگ‌تر را شکل داد و تقریباً به یک اندازه توسط دانش‌آموختگان فلسفه و علوم اجتماعی و آن‌ها که دل‌مشغولی عمده‌شان مطالعه ادبیات بود، پی گرفته شد). توصیف بخش بعدی این نظریه‌پردازی با عنوان «پساساختگرا» تا حدی فقط یک نیاز ژورنالیستی است به عناوین، اما در عین حال نشان می‌دهد که چطور اصرار سوسور به دلبخواهی بودن دال‌ها نقطه آغاز بسیاری از ادعاهای اخیر بوده است، که با استادی خیره‌کننده بخصوص توسط ژاک دریدا، در مورد نایستایی کل معنا در نوشتار مطرح شدند.

عاقبت گسترش اشتیاق به ایده‌های برگرفته‌شده از این زنجیره همیشه به‌درستی دریافت‌نشده سنت‌های فلسفی، مجادله داغ، آشفته و تاکنون کشدار و طولانی درباره ماهیت و هدف مطالعات ادبی بوده است. در جریان این بحث‌ها، این فکر که تثبیت «معنا»ی متن ادبی ممکن است هدف مشروع پژوهش انتقادی باشد آماج حمله بوده است. تلاش برای محدود کردن دامنه بافت‌های معنا‌ساز و یا متوقف کردن نایستایی‌های خودفروپاشنده‌ی نوشتار با انگ «خودکامگی» و

۱. منظور تفسیرها و قرائت‌های ایدئالیستی از آرای کانت است، به‌ویژه ایدئالیسم هگلی که

فراسوی نومن و فنومن کانتی حرکت کرد. - م.

2. semiology

3. self-dissolving

سلطه گرایی روبه‌رو شده است؛ اتهامی که به نوبه خود نمونه‌ای است از اینکه چطور به آسانی پرسش‌های پیچیده نظری با نگرش‌های گسترده‌تر سیاسی ربط داده شدند. برعکس، آن‌ها که نگران آن چیزی هستند که حرکت بسیار ساده بین سطوح مختلف انتزاع می‌دانند، استدلال می‌کنند که انکار «قطعیت» معرفت‌شناختی توسط دریدا وابسته است به سنتی در فلسفه پسادکارتی و نباید به معنای تردید در امکان تثبیت معنای اجماعی متعارف برای همه انواع نوشتار تلقی شود. آن‌ها در حمایت از نکته‌ای که مطرح کرده‌اند منتقد پساساختگرا را متهم می‌کنند به «بازی مضاعف، طرح راهبرد تفسیری خود در هنگام خوانش متن دیگری، اما به طور تلویحی و ناگفته تکیه بر هنجارهای عام در هنگام ارائه روش‌ها و نتایج تفسیرهای خود به خوانندگان» [۲].

بنابراین، اکو در انتخاب این موضوع برای درسگفتارهایش خود را متعهد می‌کند به اتخاذ موضعی در مباحثه‌ای بین‌المللی که به سرعت در حال تحول است، یا گروهی از بحث‌های مرتبط به هم در مورد ماهیت معنا و امکانات و حدود تفسیر. او که در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ یکی از شاخص‌ترین چهره‌ها در جلب توجه به نقش خواننده در فرایند «تولید» معنا بوده است، در آخرین اثرش اظهار نگرانی کرده است درباره اینکه چطور برخی از گرایش‌های تعیین‌کننده در اندیشه انتقادی معاصر، به‌خصوص سبک نقد امریکایی الهام گرفته از دریدا که «واسازی» نامیده شده است و بیش از همه تداعی‌کننده آثار پل دومان و جی. هیلیس میلر است، به نظر او نوعی مجوز است به خواننده تا «خوانش‌ها»ی نامحدود و مهارناشدنی تولید کند [۳]. درسگفتارهای اکو با طرح مخالفت با مصادره افراطی ایده «نشانه‌پردازی نامحدود»، راه‌های محدود کردن طیف تفسیرهای قابل قبول و به این ترتیب تشخیص برخی خوانش‌ها با عنوان «بیش تفسیر» را می‌کاود.

برای رسیدن به این هدف، درسگفتار نخست تاریخ طولانی ایده

معناهای «رمزی» را در اندیشه غربی شرح می‌دهد؛ معنایی که به شیوه‌هایی در زبان رمزگذاری شده‌اند که مورد توجه همگان قرار نمی‌گیرند و فقط اندک خبرگان متوجه آن‌ها می‌شوند. نکته اصلی این شرح این است که نشان بدهد نظریه معاصر تکرار مجدد حرکت‌های آشنای قدیمی است، تقریباً پرده دیگری از تاریخ تودرتوی هرمسیه (هرمس‌گرایی) و گنوستیسیسم^۱ است، که در آن صورتی از دانش ارزشمندتر است که بتوان نشان داد رمزی‌تر است و هر لایه برداشته شده یا راز رمزگشایی شده خود گذرگاهی است برای حقیقتی که زیر کانه‌تر پنهان شده است. یک عنصر مشترک روان‌شناختی در این سنت‌های تفسیر، شک به یا خوار شمردن معنای ظاهری، آسانی دسترسی به آن و مطابقت ظاهری آن با عقل سلیم است که باعث می‌شود در چشم اصحاب حجاب^۲ زشت و نفرت‌انگیز باشد.

در درسگفتار دوم، اکو با تأکید به اینکه می‌توانیم بیش تفسیر یک متن را تشخیص دهیم بدون آنکه الزاماً بخواهیم ثابت کنیم که تفسیری تفسیر درست است، یا حتی به این باور بچسبیم که باید یک خوانش درست وجود داشته باشد، خود را بیشتر از صورت مدرن این گرایش دور می‌کند. اینجا او بحثش را اساساً با مثال‌های جالبی که می‌زند پیش می‌برد، به خصوص خوانش وسواسی چلیپای رُزگون^۳ [روزیکروشین] از دانته توسط ادیب نسبتاً گمنام آنگلو-ایتالیایی، گابریل روستی. بحث اکو، در همان حال و هوا، در باب تفسیر جفری هارتمن، منتقد امریکایی از شعر وردزورث، سعی دارد شیوه دیگر فرارفتن از مرزهای تفسیر مشروع^۴ را

۱. مذهبی است که در قرن دوم میلادی در کشور روم گسترش یافت. گنوستیک‌ها به ثنویت اعتقاد داشتند اما میان ثنویت مزدایی و دو پرستی گنوستیک‌ها فرق وجود دارد. در واقع یک جریان عرفانی در دوران صدر مسیحیت است. - م.

۲. منظور پیروان متون پر رمز و راز است که همواره به پوشیده‌تر بودن معنا و پنهان بودن آن تأکید می‌ورزند. - م.

3. Rosicrucian

4. legitimate